

فارابی و خوانشی فلسفی از الحروف

قاسم پورحسن*

چکیده

تاکنون خوانشی فلسفی از کتاب *الحروف* صورت نگرفته است. برخلاف باور رایج، *الحروف* اثری صرفاً زبان‌شناسانه نیست بلکه حیثیت فلسفی آن از اهمیت بنیادین برخوردار است. این کتاب یکی از مهمترین آثار فلسفی فارابی محسوب میشود. عمده تحقیقات صورت گرفته بر این دیدگاه تأکید دارند که *الحروف* تنها شرحی بر *مابعدالطبیعه* ارسطوست. همین امر سبب شده که ابتکارات و ابداعات فارابی در این نوشته مورد غفلت قرار گیرد. *الحروف* تنها از حیث توجه به بنیادهای زبان‌شناسی نیست که از اهمیت برخوردار است بلکه برجسته بودن آن بسبب اهتمامهایی است که فارابی در نسبت زبان و فلسفه، پیوند شریعت و فلسفه، ربط وثیق زبان طبیعی و زبان فلسفی صورت میدهد. *الحروف* سرشت نزاعهای کلام و فلسفه و نحو و منطق که بمدت دو بیست سال در دنیای اسلام جریان داشت را عیان میسازد.

در این نوشتار میکوشیم تا دو مسئله بنیادین را بررسی و تحلیل کرده و منظرها را مورد ارزیابی قرار دهیم:

نخست جایگاه *الحروف* و اسباب نگارش آن را مورد توجه قرار داده و جایگاه فلسفی آن را تبیین خواهیم کرد. *الحروف* در وهله اول واکنشی به

* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی؛ ghasemepurhasan@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۹ تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۲۷



مخالفان فلسفه و جریان عقلی‌گرایانه در فهم شریعت است. فارابی با زبان‌شناسی آغاز کرده و در پرتو آن اندیشه منطقی و معرفتی را تبیین نموده و سرانجام به اندیشه هستی‌شناسی می‌رسد. او در الحروف تأکید دارد که عدم التفات به بنیانهای زبانی چه آسیبهایی میتواند در مباحث معرفتی و هستی‌شناسی بار آورد و پژوهشهای زبانی چگونه میتواند شالوده‌های فلسفی را آشکار ساخته و عمق ببخشد.

دوم میکوشیم تا ضمن بررسی ساختار رساله، نظریه بنیادین فارابی یعنی آموزه سازگاری را مورد توجه و تحلیل قرار دهیم. با تحلیل دو مکتب کوفه و بصره، مقدمات بحث را فراهم ساخته و سپس اصل نظریه سازگاری را مورد بازخوانی قرار خواهیم داد. فارابی در الحروف در باب دوم در دو فصل از پیوند حکمت و شریعت (الصله بین الفلسفه و المله) نشان میدهد که چاره‌ی جز دفاع از نظریه سازگاری نیست. دین غیرعقلانی، توهم است. فارابی بنیانهای اساسی شریعت را بر عقل و برهان استوار می‌سازد. نه ابویشر و نه ابوسعید اهمیت دیدگاه جمع را دریافته بودند. متی بن یونس تنها نماینده منطقی و عقل نبود بلکه وی و همراهان و طرفدارانش، تنها بر عقل خودبنیاد تکیه داشتند؛ دیدگاهی که فارابی نیز آن را نابسند می‌دانست. در مقابل، ابوسعید نیز تنها نماینده نحو مکتب بغداد نبود بلکه او به‌مراه تعداد زیادی که از رویکرد دینی صرف دفاع بعمل می‌آوردند، مخالف نقش عقل در فهم و توجیه باورهای دینی بودند. فارابی در الحروف میکوشد با تحلیل دو دیدگاه، نظریه سوم را طرح و تدوین نماید.

کلیدواژه‌ها: فارابی، الحروف، بنیانهای فلسفی، نظریه سازگاری، شریعت و حکمت

* * *

مقدمه

بدون فهم تطورات و تحولاتی که در سنت اسلامی در سه دهه نخست شکل گرفت، نمیتوان بدرستی درباره کتاب پر اهمیت الحروف داوری کرد. این منظر چنان اهمیت دارد که محسن مهدی نیز برغم همه تبعات و ژرف‌بینیهایش درباره



سال هفتم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۵